قسمتی از الواح خط
نقطه اولی (جلّ وشأنه)
وآقا سیّد حسین کاتب

Autograph Epistles of the Primal Point And of His Amanuensis Aqa Sayyid Husayn of Yazd

بنام خداوند یکتا

کسانیکه در تاریخ بابیه مطالعه داشته وجریان این انقلاب خونین مذهبی را خوانده‌اند میدانند که اهل بیان از همان اوائل دعوت نقطه‌اولی (۱) ببعد گرفتار حوادث بیشمار ازجنك وقتل وغارت وخونریزی بوده جنگهای معروف طبرسی نیریز و زنجان در زمان محبوس بودن واضع آئین بوقوع پیوست ودوسال پس ازشهادت وی هم کشتارفجیع دسته جمعی بابیه در تهران بسال ۱۲۶۸ قمری روی داد که متعاقب آن درسایرولایات نیزحیات پیروان این طریقه سخت بخطر افتاد وقتل وجرح وشکنجه وآزار بابیه ازان هنگام مستمراً تاسالیان دراز ادامه یافت.

حدوث این سوانح از یك طرف وبروز وقایع داخلی وانقسام آنان بازلی وبهائی و کشتاربزرگان بابیه بدست بهائیان ازطرف دیگرموجب شد که نه‌تنها نفوس بیشماری ازاین طایفه ازبین رفتندبلکه نوشتجات وآثار آنان نیز ازدستبرد تلف مصون نماند ویك قسمت عمده از خطوط اصل و کتب ونوشتجات آنها درخلال حوادث بدست دشمنان ایشان افتاده وازبین رفت وقسمت دیگر بخصوص خطوط نقطه‌اولی که دردست پیروان بیان مانده ومندرجات آنها منافی باادعای میرزا حسینعلی بهاء بود قبل ازافشاء ادعا بدستورخود او که آنوقت واسطه ارسال مکاتبات بابیه باصبح ازل در بغداد بود بوسیله ایادیش جمع آوری گردید (۲) وبالنتیجه از خطوط بیشمار نقطه‌اولی جزمعدودی در گوشه و کنار نزد مؤمنینی که باهمه مشکلات بجان درحفاظت آنها کوشیدند نماند وازآنجائیکه نقطه‌اولی درآثارخود کراراً بپیروانش دستور داده‌است که‌آثار اورا که روزی آنها تاقیامت دیگراست مانند چشمان خود محافظت کنند - بعضی از توقیعات ویا باصطلاح بابیه الواح مهم تاریخی که تاحال‌ازتصاریف روزگارمصون مانده واصول‌آنها دردست است دراین مجموعه گراور شد تااین‌آثار گرانبها بصورت حقیقی خود محفوظ مانده ودردسترس استفاده عموم قرار گیرد وهم خوانندگان گرامی بسبك نگارش وطرزبدیع تحریر وشیوه خط زیبای نقطه‌اولی و خط آقاسید حسین کاتب او که قبلا هم نمونه‌هائی ازآنها دربعض کتابهای تاریخی و غیرآن گراور شده است آشنا گردند و برای سهولت استفاده

---

(۱) نقطه اولی از القابی است کـه سید علیمحمد باب برای خود برگزیده ودراین مجموعه هم ازاین پس باین لقب نام برده میشود.

(۲) ـ نقل‌از کتاب تنبیه‌النائمین

ج - درصفحه ۱۰ نیز توقیعی دیگرخطاب بکریم است که باومینویسد ای اسم من بحقیقت تومرا درباره مرآت ازلیه از انجهت که از خداوند حکایت کرده‌وبرآفریننده‌اش دلالت نموده خشنودساختی وپس ازحمد خدا وتوصیه درباره حفاظت از صبح ازل که محزون نشود ودستورات دیگری که بفارسی است درپایان تاکید مینماید که آنچه ازنزد خداوند نازل شده درهمه‌حال مانند دوچشم خود حفظ کند واگرعلی در انجاست اورا متوجه ثمر بنماید تاازطرف خدا وبامراو بمرآت الله‌ووجهش نظر کند زیرا که‌ما نیز ناظریم ودراین لوح چنانکه ملاحظه میشود صبح ازل را مرآت‌الازلیه - ثمره بهیه - ثمر-مرآت‌الله ووجه‌الله خوانده است .

د - لوح دیگر که‌ذیل‌صفحه ۱۰ گراورو باالله‌ادین آغازشده خطاب به میرزا اسدالله (۱) دیان است که باومینویسد الواح ابد(۲) راکه بانوار تجلی‌خداوند زینت شده‌بود دیدم وشکرخدارا که تودرعرفان پروردگارت بجائی رسیدهٔ که جز خداوند کسی واقف برآن نیست وما پاسخ آنچه در الواح ذکرنموده‌بودی دادیم وترا ملکی قراردادیم که‌آنچه را مرآت‌ازلی از مجلیش حکایت میکند خبربدهی وضمن تاکید درمراقبت از اومینویسد اووآثاری راکه میخواهد بمردم برساند نیکو حفظ کند . وبازنگاه‌داری وی وسپس حفظ نفس خودش راکه اندوهگین نشوند امر داده ومیگوید ادلاء خداوند را بنیکوئی یاد کنند .

ه - درصفحه ۱۱ دائره‌ایست که ازشش دائره متحدالمرکزتشکیل شده وپنج خانه‌نشان‌میدهدو باخطوطی که درداخل آن‌هاعموداً رسم گردیده هریك بنوزده‌خانه تقسیم و در آنها آیات قرآن و در خانهای یازده در یازده مربع وسط کلمه الله اعظم نوشته شده است .

و - درلوح صفحه ۱٤ که‌در صدرآن «ان‌یا خلق‌الله کل تقرؤن ثم لتؤمنون وتوقنون» وپس‌ازآیات اولیه‌ان یاعلی‌خطاب شده‌است نقطه‌اولی صریحاً خودرا قائم آل‌محمد ومهدی موعود معرفی کرده وطلوع خود را

---

(۱) - دیان وادین هر دو عدداً با اسد برابر و مراد میرزا اسدالله تبریزی است این شخص بعداً یعنی دراواسط ایام اقامت بابیه‌دربغدادمدعی شدکه موعودبیان‌است وصبح ازل کتاب معروف مستیقظ را دررد اونوشت

(۲) - چون جمع اعداد حروف ابد ۷ است ممکن‌است مقصودهفت لوح‌بوده که وصول آنهارا اعلام نموده ونیزممکن است مراد الواح سال هفتم بوده‌باشد .

روز قیامتی که همه باو برانگیخته ونشر وحشروعرضه برخدا شوندخوانده وتصریح نموده استنخستین کسی که بااو بیعت نموده محمد رسول‌الله وسپس علی وشهداء ازبعداو وابواب هدی وبعد نبیین وصدیقین‌وشهداء و کسانی که بخداوآیات‌اوایمان داشته‌اندبوده‌اند مینویسددین بعدازاین این‌دین‌است که‌بخدا وآیات‌اوایمان‌آورده واورابا‌نچه میتوانید در دین‌حق یاری کنید ونیز اضافه میکند هرکس از این‌پس ظهورمهدی یا رجعت محمدیا یکی از مؤمنین باورا انتظار برد بیدانش است .

تا روزی که خداوند مرا و هرکس را بمن گرویده است برمیگرداندوآن روز قیامت است که همه درخلق جدید واقع میشوند ودرپایان ضمن تأکید اینکه او قائم موعود مسلمانان است مینویسد این کتاب را ازنظر فضل و رحمت برجهانیان نازل کردم‌تاکسی نگوید اگرخداوندمرا ازظهورمهدی یا رجعت محمد ومؤمنین اوآگاه کرده بود هرآینه بمحضر وی حاضرشده بودم در ذیل این‌لوح مهریاعلی یا محمد دیده میشود .

ز - درلوح صفحه ۱۵ که باین‌عبارت شروع‌شده «هوالاکبرالاقدس الامنع‌الاعلی» مصرح است که لوح مزبور در آخر روز دین نازل شده و چون دین عدداً ٦٤ است ممکن است مراد نزول آن در آخرین روز سال ١٢٦٤ بوده باشد ضمن مناجات با خدا و گواهی بیگانگی‌او میگویدبدین آن است که‌توشریعت قراردادی‌و کتاب‌آن است که نازل نموده و رسولان آنهایند که فرستاده وحلال‌آنست که حلال ساخته وحکم‌آنکه امرنموده و نهی‌آن است که نهی فرموده‌ئی وتوحکم میکنی وبرتوحکم نشود.

ودر پایان ذکر رسالت محمدوولایت ائمه وصلوات برانها وذکر مظاهر بیت‌الحرام واسماء حسنی‌وامثال علیانموده است

ح - درلوح صفحه۱۸ که به هوالاعلی آغازوپس ازآیات‌اولیه «ان یامحمد یصلی‌الله علیك ربك» خطاب شده است نیز خود را قائم موعودو زمانش را روز قیامت معرفی نموده و میگوید اول کسیکه با قائم بیعت کرد محمد رسول‌الله بود و بعد الاقرب فالاقرب و امروز کسانیکه بباب ایمان میاورند اهل نور ورستکاریند وصریحاً اعلام مینماید که محمدوهمه شهداء او وهرکس بخداوآیات اوایمان‌آورده بدنیارجعت کردند

ط - صفحه ۱۹ هیکلی است که دربالای آن نوشته شده : ۷۵هیکل حرف الخامس من حروف‌الحق‌لعلی ٤

ی - درصفحه ۲۰ لوح معروفی است که پشت آن نوشته شده است: «درمکتب‌خانه‌من یظهره(۱) الله منور فرمایند» ودرمتن لوح خطاب بموعود بیان مینویسد بیان و آنچه در اوست هدیه‌ایست ازجانب من بسوی تو و اگردرقیامت دیگرهنگامی که شیر ازپستان مادرمینوشی همه اهل بیان را باشاره دستت معزول کنی دراشارات ستایش‌شده خواهی بود اگرچه‌شك نیست که نوزده سال‌صبرخواهی کرد تاهر کس راکه‌ببیان‌ایمان آورده‌است بفضل خود پاداش بدهی .

یا - صفحه ۲۱ حاوی پنج نوشته تذهیب شده است که هریك کتاب خوانده شده و متضمن تسبیح وتحمید وتوحید وتکبیر پروردگار وپاره‌ئی دستورات است .

یب - صفحه ۲۲ حاوی یك‌نوشته ودودائره بخط‌نقطه‌اولی وهرسه مشتمل بربعضی آیات قرآن است واعدادی نیز درهریك گنجانیده شده که کشف آنها فعلا میسر نگردیده است .

یج - لوح‌صفحه ۲۳ نامه‌ئی است بخط آقا سیدحسین کاتب که برای ملاعبدالکریم قزوینی که احمد هم نامیده شده نوشته‌است واز مفادآن‌چنین برمیآید که پس ازشهادت نقطه اولی نوشته شده‌وبالحن‌جانسوزی‌ازغروب شمس حقیقت ناله وزاری نموده وبا دوست و همکار خود ازغم این واقعه عظمی شکوه کرده و حاشیه نامه را بمریم (۲) نوشته وباو مینویسد از غروب پروردگارت محزون شو وباینکه اوقبل‌ازغروبش درصبح‌ازل‌طالع شده مسرور باش ودر ذیل‌آن نور(۳) را مخاطب قرارداده ومیگوید که بانو ارصبح‌ازل منور شود ومینویسد اگر خداوند مرا از اینجا که محل غروب نورخدا وریختن‌خون‌اوست بیرون‌بیاورد از محبوب ازل‌جواب گرفته

---

(۱) من یظهره‌الله یعنی کسیکه خدا اورا ظاهرمیکند ونقطه اولی موعود بیان را باین عنوان نامیده و دربیان فارسی وقت ظهور او بین ۱۵۱۱ تا ۲۰۰۱ سال از بیان نوید داده شده ومع‌الوصف بعد ازشهادت نقطه اولی عده‌ئی مدعی اینمقام‌شدندکه از جمله آنها میرزاحسینعلی‌است که خودش بهاء و پیروان او بهائی خوانده میشوند وصبح ازل‌همه‌مدعیان این امرراکاذب خوانده ورد کرده است

(۲) مریم مراد عیال صبح ازل است که پس ازبیرون رفتن از ایران دیگر اورا ندیده ودربین بابیه بقانته مشهور بوده است .

(۳) نور مراد آقانوراله فرزند صبح ازل است .

برای توخواهم فرستاد زیرا که خداوند باو همه‌مردان وزنان‌مؤمن‌راپاداش میدهد واوست ذات خدا ونور او ونفس‌الله وامر او وشکر کن خداوندت راکه لقاء او را قبل ازظهورش روزی تو کرد وضمن تأکید در نوازش‌و دلجوئی از خواهر (۱) قهیر مینویسد باو بگو غمگین مباش اگرچه همه غمها برتو وبراو حلال است وبوی بشارت‌ده که‌خداوند اورا تنها نخواهد گذاشت .

بایان این‌نامه خطاب بمحمد است که باو نیز غروب شمس‌حقیقت‌را تعزیت گفته و بطلوع مجدد او درصبح ازل وی‌راتسلی‌میدهد ومینویسدقبلا کتابی باآنچه از طرف خداوند برای تونازل شده بوسیله نوروز فیروز فرستادم از او مطالبه کن که در آن چیزی است که‌موجب‌آرامش توخواهد شد ودراین نامه‌ازقهیر (۲) وتقی‌نام نیز یاد کرده و مینویسدبتقی بگو که‌از اسم ازل غافل مباش

ید- صفحه۲۶ هیکلی است که دربالای‌آن این‌عبارت نوشته‌شده(۳) هذا هیکل‌الله‌عزوجل وان‌مظهره‌النقطه‌علی محمد بر-هورب۲۰۲

یه- صفحه ۲۷ دولوح بخط دست نقطه اولی است که درنوشته اول برای‌آگاهی خانواده خود فرستادن آنرا بشیرازدستورداده‌است ودرلوح دوم از عبارت بسمله‌آن گمان میرود بشیخ‌علی عظیم نوشته شده وتاکید میکند که‌امر را بنفی نفی واثبات الف‌اثبات‌یاری نماید .

یو - درصفحه ۳۰ لوح‌آغاز شده به «هوالادین‌الادین» خط‌آقاسید حسین‌کاتب بمیرزا اسداله دیان است که عروج روحانی اورا ستوده‌وضمن اشعار بوصول‌کاغذهای قبل وبعدوی مینویسدپاسخ‌فرستاده‌وآنچه راهم که نقطه اولی درپاسخ اونوشته اصل خط‌نقطه‌را جوف‌پاکت‌خط‌خودش‌بوسیله سیاح فرستاده است ودراین لوح ازطلوع مرآت ازلی‌نیز شکر گزاری فراوان نموده ومیگوید با نوارش مستشرق شود تا خداوند درهروقت‌باو یاریش نماید .

---

(۱) خواهرقهیر بانوئی‌است که درایام اقامت نقطه اولی دراصفهان برای خدمت او فرستاده شده است.

(۲) قهیر مرادملارجبعلی معروف‌بقهیر که‌از بزرگان فضلاو مصدقین اولیه‌نقطه‌اولی‌بوده‌وپس ازانقسام بابیه رساله‌مستدلی در رد ادعای میرزا حسینعلی نوشت وعاقبت هم بدست پیروان وی درعراق عرب کشته شد

(۳) رجوع شود بباب دهم‌از واحدپنجم بیان فارسی .

یز - درصفحه ۳۱ لوح شروع شده به «هوالکروم المعظوم» خط آقا سیدحسین بملاعبدالکریم قزوینی است که بالفاظ گوناگون سپاسگزاری از طلوع صبح ازل نموده واز اینکه بعظمت وی قبل ازظهورش پی برده و بکلماتش قبل ازطلوع او ایمان آورده واورا در پیشگاه ربش یاد نموده شکر میکند ومینویسد آنچه را از آثار صبح ازل فرستاده بودی کراراً در محضر نقطه اولی خواندم وهرچه ازآثار او از این پس بفرستی چه بخط خودت و چه باثر خود او نزد محبوب محبوب است وتأکید میکند که از ارسال آثار او که محبوب آنها رادوست میدارد غفلت نورزد ودر پایان بفرستادن جزوه هائی که در سال هفتم درظل اسماء الله نازل شده اشاره کرده وتصریح مینماید که هر جزو بکدام یك ازمؤمنین تعلق دارد بدینقرار: آنچه درظل اسم عزیز نازل شده برای ثمره ازلیه وآنچه درظل اسم جمیل است برای جناب عظیم و اسم قویم برای ملاعبدالکریم واسم حی برای وحید فرید است که درحقش فرموده است «ظهور وحید بهتر از عبادت ثقلین است» واسم بهاء برای شجره بهاء(۱) میباشد واسم احد برای ملااسدالله دیان واسم جلیل برای آقاسیدعلی وسپس بارسال هیاکلی بوسیله جناب عظیم برای عظیم وسلمان ونورخوئی ودختر کریم وهیکل هائی برای وحید واصحاب قزوین وآیاتی برای خود او وعظیم ووهاب وغیره اشاره نموده ومینویسد هیکل مستغاث ازآن وحید است وسفارش میکند که همه این آثار را نسخه برداری کرده وسپس بصاحبانش برساند واضافه میکند که نقطه اولی میفرماید «اگر حرفی ازآثار مرا ازقلم بیاندازی از تو مؤاخذه خواهم کرد» ونیز مینویسد کتابی که روی آن نام تو نوشته شده هیکل ازلیه ودائره ابدیه در آن است وخط دیگری از نقطه اولی برای همنام بزرگوار من حسینعلی (۲۳۸) است آنرا بثمره بهیه برسان بکتا بهای آسیدحسین ازغندی ودیان هم اشاره نموده ومینویسد انگشتری که بر آن این عبارت نقش شده است «ان هذا صراط علی فی ام الکتاب لمستقیم» بحضرت ازل رسانده شود.

یح - درصفحه ۳۶ لوح آغاز شده «بالله اکبر بسم الله الافطر الافطر» ظاهراً آقاسیدحسین بجناب طاهره نوشته است وباسماء گوناگونی که آورده ظهور صبح ازل را ستوده و او را منزه از هر ذکر و وصفی دانسته و مینویسد این است آنچه قبلا از خدا خواسته بودی و خداوند مسئول

---

(۱) از ضمیر های تأنیثی که آورده شده معلوم میشود این اسم مخصوص جناب طاهره بوده وعدداً هم ط و بهاء هردو ۹ میباشد

ترا اجابت کردو بزودی انتقام خون خود را بوسیله او خواهد گرفت ـ در حاشیه این نامه یکی از آثار نقط اولی را برای او نقل نموده که مفاد آن این است « بپیروان امرخدا بگو تا کی از دست نفوس خودرهائی نمیابید وشب وروز آرام میگرید درصورتیکه لازمه گفتن «لااله‌الاالله» از بین بردن نفی و پایدار کردن اثبات است و این سر آغاز دین است وشما چگونه خود را دردین خداوند مخلص میشمارید وحال آنکه تاکنون کلمه لااله‌الاالله ظاهر نشده وآنچه شما میگوئید گفتاری است برزبانهایتان واگر بحق لااله‌الاالله بگوئید همه بدین خدامیگروند

از آنچه درذیل این نامه توضیح داده ودرپایان آن‌هم باین عبارت نوشته «هذا ما کتب فی ارض الصاد» معلوم میشود اثر نقطه اولی بسال ۱۲۶۳ در اصفهان نازل شده ودراین نامه رونوشت آنرا فرستاده است

یط ـ لوح صفحه ۳۷ که بالله‌انس آغاز شده خط آقاسیدحسین بحاج سلیمانخان معروف شمع آجین شده درواقعه سال ۱۲۶۸ قمری است که در هنگام فرستادن جسدنقطه اولی از تبریز بوی نوشته وواجد اهمیت فراوان تاریخی است و بیشتر لوح بفارسی است وضمناً خواسته که در توفیق لقاء رب که بمر آتیت این نام رابرای صبح ازل آورده مرز وقش شود اورا هم یاد نماید وایات ازلیت را برایش بفرستد و مراد از قرب مشهد قرب تبریز است که نقطه اولی در آنجا شهیدشده واز عرش الله‌اعظم جسدنقط اولی و ازارض‌شمس تبریز است بمناسبت تطابق عددحروف شمس با تاء تبریز که بابیه که عادة شهرهارا بیکی ازحروف آنهامیخوانند مانند ارض صاد که مراد اصفهان است

ک ـ لوح صفحه ٤٠ که بالله اکرم واکریماه واحمداه شروع شده نامه خط آقاسیدحسین بملاعبدالکریم قزوینی است که ضمن اظهار تاسف وتحسر فراوان ازغروب شمس حقیقت مینویسد اگر نبودوجود خدادر محبوب من ازل هراینه من نبودم تاترامخاطب سازم ولی وجود خدای باینده مرا نگاه داشته ودوستی خدای ازل مرا باقی گذاشته است وگرنه بعداز پنهان شدن خداوند معبود مرا باعالم هستی ونعمت حیات چکار ـ ای کریم من دوست دارم که در عالم بی نهایت بوده وجزخدا نبینم وبعالم حدود نظر نکنم ولی آنچه ازاهل انکار دیدم مرا از نظر کردن بعالم حدود ناگزیر میسازد وازاینرو در دیده من که همه خشنودیها را برای خودم ومومنین مشاهده میکنم همه لذتها مبدل بحزن شده ولی خداوند ما وشما را کفایت میکند خداوند مارانگاه نداشته مگر

برای آنچه تو خود میدانی لذا امر خود را بخداوند ازل واگذارده و براو که تکیه‌گاه همه دوستان است تکیه میکنم

در پایان این لوح نیز فهرستی از آثاری را که بوسیله اشخاص فرستاده شده ذکر نموده که از حیث اشتمال بر معرفی آخرین آثار نقطه اولی واجد اهمیت فراوان است و مینویسد آنچه از آیات بدست دشمنان افتاده ۱۴۲ جزو است که نزد کسی است که نامش معروف و حاکم تبریز است و پاره‌ئی از این اجزاء هم بدست مسیحیان افتاده که مشتمل بر دائره ها و هیکل هاست وضمن اشاره بهیکلی که در آن احکام بیان گنجانیده شده مینویسد نسخه آن بخط خود وی در جیب ارخالق نقطه اولی بوده که با کاغذها و اشیاء دیگر خنجر خان نامی در دیلمقان ربوده و برده است و آرزو نموده که این نسخه بدست بیاید و نشانی خنجر خان راهم در این نامه داده است ـ در خاتمه نامه بملاعبدالکریم مینویسد اگر میخواهی بر من کرم کنی جز این چیزی نمیخواهم که از من نزد صبح ازل شفاعت نمائی باینکه لقایش را آنگونه که او میخواهد نه آنطور که من میخواهم روزی من نماید و مرا بیهوده و عاطل نگذارد و هنگام ارتحال از این دار آنچه را از آن محروم مانده‌ام روزیم فرماید

الله اکبر کبیرا

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] اکبر کبیرا

ان کریم [illegible] الحمد [illegible] الرحیم [illegible]

الله اکبر تکبیراً کبیرا

هذا کتاب من عندالله المهیمن القیوم الی الله المهیمن القیوم
قل کل من الله مبدئون قل کل الی الله یعودون
هذا کتاب من علی قبل نبیل ذکرالله للعالمین
الی من یعدل اسمه اسم الوحید ذکرالله للعالمین
قل کل من نقطة البیان لیبدئون
ان یا اسم الوحید فاحفظ ما نزل فی البیان وامر به فانك لصراط حق عظیم
(مهر) انّنی انا حجة الله و نوره

الله اکبر تکبیراً کبیرا

ان یا کریم قدوهبناك واحدا من حق واحد الاول لتحفظن کل ما نزل من عندالله ولتبلغن الی اسم الوحید ولتسئلن عمن یکتب آیات الله ما انتم مراد الله لا تعلمون.

(مهر) شهدالله انه لا اله الا هو العزیز المحبوب

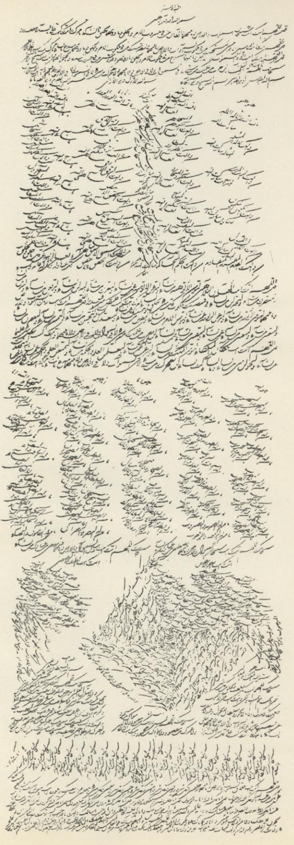

بسم الله الرحمن الرحيم

۳

الله اقدس

بسم الله الالهذی الا هین قل اللهم انک انت سبحان السموات والارض وما بینهما واالهان من فی جبروت الامر والخلق ومادو نهما تخلق ماتشاء بامرک انک کنت علی ماتشاء مقتدر اقل اللهم انک انت اقدس الاقدسین لیسبحنک من فی ملکوت السموات و الارض وما بینهما ولیقدسنک من فی ملکوت الامر والخلق ومادونهما تبدع ماتشاء بامرک انک انت اعلم الاعلمین قل اللهم انک انت الوه السموات والارض وما بینهما و سبوح من فی ملکوت الامر والخلق ومادو نهما وقدوس من فی جبروت البدء والختم وما بینهما وانک انت اسبح الاسبحین سبحانک اللهم انک انت اله الالها لن یعزب من علمک من شئی لافی السموات ولافی الارض ولاما بینهما ولایعجزک من شئی لافی السموات ولافی الارض ولا بینهما وانک انت اقدر الاقدرین بسم الله القدس ذی القداسین

هو هو بالله الله الاله الا له تبارک الله من ذالک الا له المثله المثاله تبارک الله من ذالک الربب المرتبب المترابب تبارک الله من ذالک الکون المکتون المتکاون تبارک الله من ذالک الازل المتزل المتازل تبارک الله من ذالک القدم المقتدم المتقادم بسم الله السبح ذی السبحاء

الله الله بالله الله السلطا لسلط تعالی الله من ذالک الجوهر المتجاهر تعالی الله من ذالک الطرز المتطارز تعالی الله من ذالک الجرد المتجارد تعالی الله من ذالک السزج المتسازج تعالی الله من ذالک النقب المتناقب تعالی الله من ذالک الثمر المتثامر تعالی الله من ذالک الحکم المتحاکم تبارک الله رب العالمین تبارک الله محبوب العالمین تبارک الله مقصود العالمین تبارک الله محمود العالمین سبحان ذی العز الشامخ المنیع وسبحان ذی الجلال الباذخ الرفیع وسبحان ذی الملک الفاخر العظیم وسبحان ذی العز الباهر الکریم.

بسم الله الازل ذی الازالین انا انا بالله الله الوزر الوزر تباهی الله من ذالک الشرق الاشرق تباهی الله من ذالک البرق الابرق تباهی الله من ذالک الرقق الارقق تباهی الله من ذالک الحقق الاحقق تباهی الله من ذالک السبق الاسبق تباهی الله من ذالک الشفق الاشفق تباهی الله من ذالک السبق الاسبق تباهی الله من ذالک الحقق الاحقق.

بسم الله القدم ذی القدماء انت انت بالله الله القدر القدر ماشاء الله من ذالک الجلل المتجالل ماشاء الله من ذالک الجمل المتجامل ماشاء الله من ذالک الکمل المتکامل ماشاء الله من ذالک العدل المتعال ماشاء الله من ذالک الفضل المتفاضل ماشاء الله من ذالک القبل المتقابل ماشاء الله من ذالک

البلور المتعاكس تعالى الله عن كل ماخلق ويخلق قل كل عباد له و كل له عابدون .

قل اللهم انك انت الهان الثلاهين لتوتين الالوهية من تشاء و لتنزعن الالوهية عمن تشاء و لتعزن من تشاء و لتذلن من تشاء و لترفعن من تشاء و لتنزلن من تشاء و لتنصرن من تشاء و لتخذلن من تشاء فى قبضتك ملكوت كلشئى تخلق ماتشاء بامرك انك كنت على كلشئى قدير اقل اللهم انك انت ربان السموات و الارض و ما بينهما لتوتين الربوبية من تشاء و لتنزعن الربوبية عمن تشاء و لتوتين الامر من تشاء ولتمنعن الامر عمن تشاء و لتقربن من تشاء ولتبعدن من تشاء ولتحيين من تشاء ولتميتن من تشاء و لتفقرن من تشاء ولتغنيين من تشاء ولتبعثن من تشاء عمن تشاء ولتبقين من تشاء فيمن تشاء لن يعزب من علمك من شئى لا فى السموات ولا فى الارض ولا ما بينهما وانك كنت بكلشئى عليما قل اللهم انك انت ملكان الملكاء لتوتين الملك من تشاء ولتنزعن الملك عمن تشاء ولتعلمن العلم والحكمة من تشاء و لتمنعن العلم والحكمة عمن تشاء ولتهدين من تشاء ولتحولن بين من تشاء وما تشاء كيف تشاء لن يعجزك من شئى لا فى السموات ولا فى الارض ولا ما بينهما تبدع ماتشاء بامرك انك كنت على كلشئى مقيتا

هوالله يا من له البهى والبهيوت يامن له الجل و الجليوت يا من له الجمل والجملوت يامن له الكمل والكملوت يامن له العظم و العظموت يا من له الكرم والكرموت يا من له النصر والنصروت يا من له الفتح والفتحوت يا من له الملك و الملكوت يامن له الجبر و الجبروت يا من له السلط و السلطوت يامن له القهر والقهروت

الله هو يا من له النورية والنوروت يامن له الكبرية والكبروت يا من له العزية و العزوت يا من له العلية و العلموت يا من له القدرية والقدروت يا من له الحبية و الحبوت يا من له الشرفية والشرفوت يا من له الغلبة و الغلبوت يا من له القدمية و القدموت يا من له الازلية و الازلوت يا من له الحكمية والحكموت يا من له القربية والقربوت يا من له الصبرية و الصبروت يا من له الرفعية والرفعوت

هوانا يا من له الولاية والاوتلاء يامن له القدارة والاقتدار يامن له الحشامة والاحتشام يامن له الشكواوة والاشتواك يامن له الجلالة والاجتلال

چون اصل خط نقطه ندارد كلمات در اين ضلع ممكن است النورنة ـ الكبرنة ـ العزنة بروزن سلطنة خوانده شود

يامن له الكمالة والاكتمال يامن له الفخارة والافتخار يامن له النبالة والانتبال يامن له الشرافة والاشتراف يامن له اللطافة والالتطاف يامن له السلاطة والاستلاط يامن له الملاكة والامتلاك يامن له طرازة والاطتراز يامن له الوزارة والاوتزار.

اناهو يامن له العزز والعزان يامن له الطرز والطرزان يامن له القدرو القدران يامن له العلم والعلمان يامن له الظهر والظهران يامن له السلطو السلطان يامن له الطرز والطرزان يامن له الفخر والفخران يامن له السلطو السلطان يامن له الملك والملكان يامن له السبح والسبحان يامن له القدس والقدسان يامن له الغنى والغنيان يامن له البهى و البهيان يامن له النصر والنصران الله انا يامن له الباهين والبهياء يامن له الراضين و الرضياء يا من له العالين و العلياء يا من له الجالين والجلاء يامن له الباقين والبقياء يامن له الغانين والغنياء يامن له الصافين والصفياء يامن له القاضين والقضياء يامن له الحاكين والحكياء يامن له الدالين والدلياء يامن له البهائيون والبهياء

سبحانك اللهم انك انت سبحان السموات والارض و ما بينهما تصطفى من عبادك من تشاء انك انت ابصر الابصرين سبحانك اللهم انك انت قدسان السموات والارض وما بينهما ترتضى من عبادك من تشاء انك انت الطف الالطفين

سبحانك اللهم انك انت ظهران السموات و الارض و ما بينهما تستخلص من عبادك من تشاء انك انت اجبر الاجبرين سبحانك اللهم انك انت علمان السموات و الارض و ما بينهما تستنخب من عبادك من تشاء انك انت اعلم الاعلمين سبحانك اللهم انك انت حكمان السموات والارض وما بينهما ترتفع من تشاء من عبادك انك انت ارفع الارفعين سبحان الله ذى الملك و الملكوت وسبحان الله ذى العز والجبروت وسبحان الله ذى القدرة و اللاهوت وسبحان الله ذى القوة والياقوت وسبحان الله ذى السلطنة و الناسوت و سبحان الله ذى العزة و الجلال و سبحان الله ذى الطلعة والجمال و سبحان الله ذى الوجهة والكمال وسبحان الله ذى الرحمة والفضال و سبحان الله ذى السطوة و العدال وسبحان الله ذى المثل والامثال وسبحان الله ذى المواقع والاجلال و سبحان الله ذى العظمة والاستقلال وسبحان الله ذى المناعة و الاستجلال و سبحان الله ذى العزة والامتناع و سبحان الله ذى القوة و الارتفاع وسبحان الله ذى البهجة والابتهاج وسبحان الله ذى السلطنة والاقتدار وسبحان الله ذى العطف والاعتطاف وسبحان الله ذى اللطف والالتطاف

وسبحان الله ذی القدس و الاقداس وسبحان الله ذی الفخر و الافتخار وسبحان الله ذی الغلبة و الاقتهار وسبحان الله ذی التسلط و الاظتهار الله اقدس ولله کل ما خلق و یخلق من کلشئی والله سلطان مقتدر متعال ولله ما فی السموات والارض وما بینهما والله غناء غانی متغان

انا الله بسم الله الملک المقتدر سبحانک اللهم انک انت الاول ولم یکن قبلک من شئی و انک انت الاخر و لیس بعدک من شئی وانک انت الظاهر ولم یکن فوقک من شئی وانک انت الباطن ولیس دونک من شئی وانک انت العزیز المحبوب

هو انت بسم الله السلط الممتنع سبحانک اللهم انک انت مؤول الاوائل ولاتوصف بالاولیة و انک انت موخر الاواخر ولاتنعت بالاخریة و انک انت مظهر الظواهر ولاتثنی بالظاهریة وانک انت مبطن البواطن ولاتذکر بالباطنیته وانک انت المهیمن القیوم.

انا انت سبحانک اللهم انک انت المعروف لاغیرک وانک انت الموصوف لا سواک سبحانک انی کنت من المقدسین

انت الله سبحانک اللهم یا الهی قد عرفتک بک لا بدونک اذ انه هو خلقک و وحدتک بک لا بسواک اذ انه هو انشائک لا من شئی سبحانک من ان اکونن من الموحدین انت هو بسم الله الملک ذی الملاکین سبحانک اللهم لک ما خلقت و تخلق من کل شئی تحیی و تمیت ثم تمیت و تحیی وانک انت حی لاتموت وملک لاتزول وعدل لاتجور وسلطان لاتحول وفرد لایفوت عن قبضتک من شئی لا فی السموات ولا فی الارض ولا ما بینهما تخلق ما تشاء بامرک انک کنت علی کلشئی قدیرا.

الله انت بسم الله السلط ذی السلاطین سبحانک اللهم لک الاسماء الحسنی کلهن و الامثال العلیا باسرهن قد تعرفت نفسک کل شئی و ما جهلک من شئی و تجلیت بکینونیتک بکل شئی فما عرفک من شئی تعرفک نفسک جود و امتنان و کرم و التطاف ولو لا عرفت نفسک شیئا فمن عرفک فکل منک و بک و عنک و الیک فسبحانک سبحانک الغیرک من ظهور حتی تعرف به والغیرک من بطون حتی توصف به سبحانک سبحانک من ان اکونن من العارفین

انت انا سبحانک اللهم لیس دونک من معبود و لاسواک من مسجود ولاغیرک من مقصود ولاسواک من محمود وانک انت اله الالهین ایاک ایای سبحان من هو حی لایموت سبحان من هو فرد لا یفوت سبحان

من هو ملک لایزول سبحان من هو عدل لایجور سبحان من هـو سلطان لا یحول سبحان من هو قادر لایعجز سبحان من هو قیوم لاینام سبحان من هو قدوس لایضام سبحان من هو عالم لاینسی سبحان من هو مقتدر لایضاد سبحان من هو حاکم لایعادل سبحانک اللهم انک انت اقدر الاقدرین!

ایای ایاک سبحان من هو الهان الاهین سبحان من هو ربان الربابین سبحان من هو کوان الکوانین سبحان من هو ازلان الازلاین سبحان من هو قدمان القدامین سبحان من هو قدران القدارین سبحان من هو حکمان الحکامین سبحان من هو علمان العلامین سبحان من هو ملکان الملاکین سبحان من هو سلطان السلاطین.

قل اللهم انک انت خلاق السموات والارض و ما بینهما قد خلقتنی و کل شئی ورزقتنی و کل شئی و امتنی و کل شئی واحییتنی و کل شئی و بعثتنی و کل شئی و جعلتنی مرات نفسک و بلورة ذاتک ومغرب قدوسیتک ومشرق قیومیتک للعالمین قل کل من عندالله و کل الیه لیرجعون قل انا کل لله و آباته مومنون قل انا کل بالله ثم بکلماته موقنون قل انا کل لله عابدون قل انا کل لله ساجدون قل انا کل لله ذاکرون قل انا کل لله شاکرون قل انا کل لله حامدون و لقد راینا ماسطر من هنالک و انا کنا به عالمین و لقد سمعنا ما نزل من هنالک و انا کنا علیه لحافظین وان ماقد احببت هنالک ذالک ما قد احب الله و بک رب العالمین ان لم یحط علمک بحزن علی نفسک ولا من اذلائک المومنین و انا قد استجبناک فیما دعوت و انا کنا علی کل شئی لمقتدرین وانا لننصرنک بک فی العالمین واحفظ نفسک ان لا یحط علمک حزن نا ثم ما ننزلن علیک فی فوادک فانا کنا علیک ثم علی اذلائک لحافظین و فرآیة من ذالک الکتاب کیف یلقی الله علی فوادک فانا کنا لمجبین و واحفظ ذالک الکتاب و ذکره حتی لاتشهد من حزن فی البهائین و من یکن عندالله بذکرک ثم یقول انا کل بالله ثم بکلماته مومنون.

الله اکرم

بسم الله الکرم ذی الکارمین بسم الله الکرم ذی الکرماء

قد بهجتنی ان یا اسمی فی المرات الازلیه حیث قد حکی عن الله ربه ودل علی الله موجده الحمد لمجلیه کما هو اهله ومستحقه کمال تراقب اول در حفظان وثانی در شوق وابتهاج ان داشته که قدر ذکر امکانی هم خطور حزن بر قلب سازجش وارد نشود چگونه آنکه بتکون اید وپنج لوح مطرز از اثار اون بخط بهی باروح وریحان فرستاده باش و کمال حفظ در اثار الله داشته چه از لاوچه بدیعا و شئونات ثمره بهیه را در الواح تذکار اورده حتی ینصر کم الله به انه خیر نصار قدیم ولتحفظن کل ما نزل من عند الله کعینیك فی کل حین وقبل حین وبعد حین وان کان علیا هنالك فاذکره بالثمر لینظرن من الله بامره الی مرات الله و وجهه فانا کنا ناظرین واحضر بین یدی الله ماقد رفع الی الله ذکرا من الله فی الکتاب انه هو خیر الذاکرین.

الله ادین

بسم الله الدین ذی الدیانین بسم الله الدین ذی الدیناء

قد نظرت الی الواح ابدیما قد طرز من انوار تجلی الله جل و عز فلله الحمد کما هو اهله ومستحقه حیث قد صعدت فی عرفانك ربك الی افق لایدر که غیره و اجبناك فیما ذکرت فی الواح متطرزات و جعلناك ملکا لتحدثن بما تحکی المرات الازلیة عن مجلیها و لتراقبن ان لایخطر بقلبها ما تخمد به نار فواده ولتکونن له ولما یریدان یبلغ کلا فی ذکر الله حفاظا جمیلا واحفظه ثم نفسك ان لایحط علمه و لاعلمك بحزن و لتذکرون ادلاء الله تذکیرا جمیلا و قدر نالك فی الکتاب ماتطلمن به فی الکتاب حتی حین.

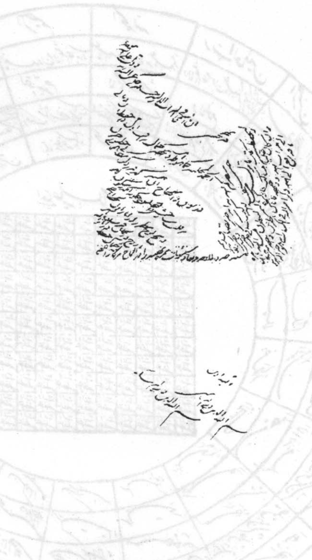

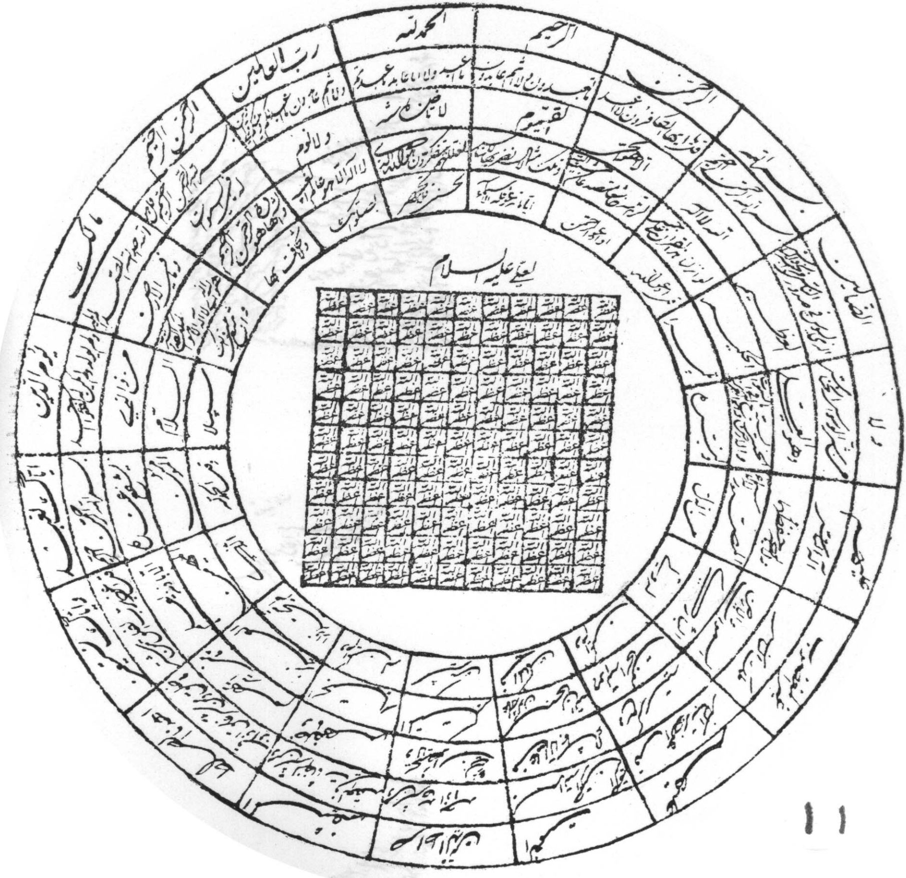
الحمد لله
الرحیم
رب العالمین
الرحمن
لعلی علیه السلام

ان یا خلق الله کل تقرؤن ثم لتؤمنون و توقنون

الله اظهر

هوالاعلی

بسم الله الامنع الاقدس شهدالله انه لااله الاهوله الخلق والامر یحیی ویمیت ثم یمیت ویحیی وانه هو حی لایموت فی قبضته ملکوت کل شئی یخلق مایشاء بامره انه کان علی کل شئی قدیرا ان یا علی قد اصطفیناك بامرنا وجعلناك ملکا تنادی بین یدی القائم انه قد ظهر باذن ربه ذالك من فضل الله علیك وعلی الناس لعلهم یشکرون ان یاعلی اننی انا نار الله التی یظهرها الله یوم القیمة و کل بها یبعثون وینشرون ویحشرون ویعرضون ثم هم فی الجنة یدخلون قل ان الذین دخلوا فی الباب سجدالله رب السموات و رب الارض رب العالمین فاذا یزیدالله علی نارهم عدالباب و لیجعلن لهم نورا فاذا هم یعلمون ذالك قائم الذی کل ینتظرون یومه و کل به یوعدون انا قدصبرنا یوم القیمة خمسین الف سنة لیمحص کل شئی حتی لایبقی الاوجه ربك ذوالعزة والجلال وماشهدنا علی روح ایمان یومئذ الافی عدالوجه وانا کنا به عالمین وان اول من بایع بی محمد رسول الله ثم علی ثم الذینهم شهداء من بعده ثم ابواب الهدی ثم ماقد قدرالله له ذالك الفضل من النبیین والصدیقین والشهداء والذینهم بالله و آیاته موقنون من حیث لایعلمون فاذا لیشهدالله علیهم بماقد دخلوا نارالله التی کل بها لیمحصون فاذا یبعثهم الله من مرا قد انفسهم و یخلقهم بمثل ما قدخلقهم اول مرة انه کان علی کل شئی قدیرا قل ان الله بما قدنزل من قبل من الایات فی ام الکتاب قد خلق محمدا ثم ماشاء کذالك یخلق الله یومئذ ما یشاء بقوله کن فیکون ومن ینتظر بعد هذا ظهور مهدی او رجع محمدا واحد ممن امن بالله وآیاته فاولئك ما لهم من علم الی یوم یرجعنی الله ومن امن بی ذلك یوم القیمة فاذا کل فی خلق جدیدا نا قدبدانا ذالك الخلق وانا لنعیدنهم و عد اعلینا انا کنا قادرین ومن یرزق من بعد بما قد رزقوا من قبل من کل ما هم به لیدینون فاولئك هم لا یحل علیهم بما قد نزلنا من قبل فی القرآن انا کنا نستنسخ ما کنتم تعملون انا قد انشاءنا نشاة الاخرة و ارفعنا کل ما کان الناس به لیدینون قل ان الهواء

يطهركم بمثل‌ما يطهركم الماء ان يا عبادالله فاشكرون ومن‌يعمل بعد ان يوصل‌اليه حكم‌حجت ربك فلا يقبل عنه من شئى و ان يومئذ كل مثل‌الذين اوتوالكتاب من‌قبل‌ما لهم من حكم الامن يدخل فى دين‌الله و كان من المخلصين ومن يتلو آية من الكتاب اويروى حديثا من بعد يريد ان يعمل به‌فاولئك‌مثلهم كمثل‌الذين كانوا من‌قبل فسيدخلهم‌الله ربهم فى دين الحق انه كان على كل شيئى قديرا قل لواجتمع الناس كلهم‌اجمعون على‌ان‌ياتوا بمثل‌ذالك‌الكتاب‌لن‌يستطيعوا ولن‌يقدروا ولو كانوا على‌الارض عالمين فلتامرن الناس كلهم اجمعون‌ان يقروءابا لليل والنهار آية التى قدنزلناها فى اول‌الكتاب ليرزقن‌يرزق ربهم و كانوا بالله وآياته‌موقنين قل انما الدين‌من‌بعدالدين‌ان‌تومنوا بالله‌وآياته‌ولتنصرن‌الله‌فى‌دين‌الحق‌بما‌انتم‌عليه مقتدرون قل لاتحضرن‌المقاعد التى كنتم فيها‌تصلون ولتحضرن بين‌يدى‌الله ولتنصرن‌الذين‌قدرجعوا الى‌الحيوة الاولى‌ولتاخذن‌حق‌الله‌باذنه‌انه كان‌بكل شيئى‌عليما سبحانك اللهم فاشهدعلى فاننى انا ما فرطت‌فى الكتاب الاول من شئى بما نزلت فيه انه لااله‌الا انا اياى فاتقون لتوفن كل نفس بما قد فصلت فيه ان‌لاتكن من بعدالله وآياته حديثا كان الناس به يؤمنون سبحانك اللهم قدقضى‌خمسين‌الف‌سنة‌يوم‌القيمة فاذا لا جعلن النار لمن قد دخل فى‌الباب نورارحمة من عندك انك كنت ذارحمة عظيما قل‌الله حق و ان ما دون‌الله خلق له و كل اه عابدون ان ياخلق‌الله انه لا اله الا هو و اننى انا اول‌العابدين قل انه لمحمدهاد قل‌انه لمهدى‌موعود فى ام‌الكتاب قل‌انه‌صاحب حق كل به يوعدون قل انه‌قائم حق كل به موقنون و انا قد نزلناذالك الكتاب رحمة من لدنا للعالمين لئلا يقول احدلوعلمنى‌الله‌ظهور مهدى‌اورجع محمدوالذين‌هم‌شهداء‌من‌بعده‌ثم‌المؤمنون‌لكنت من المحضرين قل‌ان‌الله ربى لغنى‌عليم .

[illegible]

هو الابهی الابهی الامنع الاعلی

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين وانما الصلوة من عند الله على محمد واله الصافين

هذا ما نزل في آخر نعيم الآن بسم الله الرحمن الرحيم قل هو الله احد الله الصمد لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد

سبحان ربك رب العزة عما يصفون وسلام على المرسلين والحمد لله رب العالمين دعويهم

فيها سبحانك اللهم وتحيتهم فيها سلام وآخر دعويهم ان الحمد لله رب العالمين

يا الهي لا تهدن من يديك من آثار الامراع عن بعد الذين الى ان حج امرك شئت ان تشهد على عرش

سلطنتك بما شئت تحب ان تشهد على وعلى جميع ما قد احاط به علمك بانك انت الله لا اله الا انت وحدك

لك ملك السموات والارض وما بينهما تخلق ما تشاء وتقدر ما تريد وانما الذين ما قد شئت عرش

ما قد نزلت والذين ما قد ارادت والحال ما قد جعلت وتحكم ما قد امرت ولتهم ما قد شئت تقيض عن ايات غيبك

عليك لتعلم من شيء وتقدر على كل شيء وانك انت القاهر الذي تقهر وتظاهر الذي تظهر

نفس ومقتدر على كل شيء ولعلك انت المهيمن الكافي الذي تكفي كل شيء ولا يكفي عنك شيء

لك كنت على كل شيء باني عبدك وفي قبضتك وانني انا اول العابدين اياك نعبد واياك نستعين

واياك نسئل ايات تستعين وان محمدا عبدك ورسولك شهيد الى العالمين بشيرا وان عليا وفاطمة والحسن والحسين وعلي

ومحمد وجعفر وموسى وعلي ومحمد وعلي والحسن ومحمد صلوات الله عليهم اوليائك في كل شان وشهداء

وتحب من اسمائك الحسنى وامثالك العليا ما تحب ان تكرم عبادك عن دونك يا الهي ربي واصنع بي ما انت اهله

[illegible]

هوالاکبر الاقدس الامنع الاعلی

بسم‌الله الرحمن الرحیم الحمدلله رب‌العالمین وانماالصلوة من عندالله علی محمد وآله الصافین هذا مانزل فی اخر یوم‌الدین بسم‌الله الرحمن الرحیم قل هوالله احدالله الصمدلم یلدولم یولدولم یکن له کفوا احدسبحان ربک رب العزة علی مایصفون وسلام علی المرسلین والحمدلله رب العالمین دعواهم فیها سبحانک اللهم و تحیتهم فیها سلام و اخر دعواهم ان الحمدلله رب العالمین یا الهی لاشهدن بین یدیک من اول ذکرالابداع من بعدالدین الی ان یرجع الامرالیک مثل یومئذ علی عرش سلطنتک بما انت تحب ان تشهد علی وعلی جمیع ماقداحاط به علمک بانک انت الله لااله الاانت وحدک لاشریک لک لک السموات والارض وما بینهما تخلق ماتشاء وتقدر ما ترید وانماالدین ماقد شرعت والکتاب ماقدنزلت والرسل ماقدارسلت و الحلال ماقدحللت والحکم ماقدامرت والنهی ماقدنهیت تقضی ولایقضی علیک و تحکم ولایحکم علیک تعلم کلشئ وتقدرعلی کلشئ وانک انت القاهرالذی لن تقهر والظاهرالذی لن تظهر والقائم علی کل نفس والمقتدرعلی کل شئ والغالب المهیمن الکافی الذی تکفی کل شئ ولا یکفی عنک شئ لا فی ملکوت الامر والخلق لاشهدنک علی نفسی باننی اناعبدک وفی قبضتک واننی انا اول العابدین ایاک نعبد وایاک نسجد وایاک نرجو وایاک نسئل وایاک نستعین وان محمداص عبدک ورسولک قدارسلته الی العالمین بشیرا واشهدان علیا وفاطمة والحسن والحسین وعلیا ومحمدا وجعفرا وموسی و علیاومحمداًوعلیاً والحسن ومحمداً ص صلوات‌الله‌علیهم اولیائک فی کل شان و اشهد لمظاهر بیت‌الحرام وماتحب من اسمائک‌الحسنی وامثالک‌العلیی بماتحب ان تذکر بک استغنیت عن دونک یاالهی وربی فاصنع بی‌ماانت اهله فانک انت رب‌العالمین .

جناب اسم عظیم داده‌جناب شیخ حسن سواد برداشته بعد روانه‌نزد جناب اول مومن واسم احمد واخر نماید اعنی۲۰۲

هو الاعلى بسم الله الامنع الاقدس قل هو الظاهر فوق خلقه وهو المهيمن القيوم شهد الله انه لا اله الا هو له الخلق والامر يحيي و يميت ثم يميت و يحيي وانه هو حي لا يموت فى قبضته ملكوت كلشئ يخلق ما يشاء بامره انه كان على كل شئ قديرا قل الله حق وان ما دون الله خلق و كل له عابدون قل الله يخلق ما يشاء بامره لن يعزب من علمه من شئ لا فى السموات ولا فى الارض ولا ما بينهما انه كان بكل شئ عليما وانه كان على كل شئ قديرا ان يا محمد يصلى الله عليك ربك وعلى الذينهم شهداء من عنده ثم على ابواب الهدى و الذينهم امنوا بالله واياته فاولئك هم يصليون عليهم ثم ليسلمون وان مثل ذالك الامر كمثل نار الله التى يظهرها يوم القيمة ان الذينهم دخلوا فيها فاذاهم يوقنون انه هو قائم الذى ينتظرون يومه من فى ملكوت السموات والارض وما بينهما و كل بامره يعملون قل ان يوم القيمة يومئذ قد قضى خمسين الف سنة و كل كانوا عنه محتجبين و لم يبق روح البيان فى فواد الاما قد استثنى الله بفضله حروف وجهه او من شاء من حروف خلقه انه كان ذا فضل عظيما. قل انا قد بدء انا ذالك الخلق و انا لنعيدنهم وعدا علينا انا كنا قادرين قل ان الذى خلق محمداً من قبل ليخلقنه من بعد يوم القيمة ثم الذينهم شهداء من عنده ثم من يشاء الله من النبيين والصديقين انه كان على كل شئ قديرا قل ان اول من بايع بالقائم محمد رسول الله ثم الاقربون هم الاقربون قل ان يومئذ كل من دخل فى الباب سجد الله رب السموات و رب الارض رب العالمين فانه هو نور باذن ربه و ان بمثل ذالك نجزى الصابرين قل ان فرق بين الالف فى النار وحرف الواو فى النور عدد الباب كذلك يجعل الله النار نورا للذينهم كانوا لله ربهم ساجدين قل ان اصحاب النور هم يومئذ اصحاب الرضوان واولئك هم الفائزون

قل ان اولئك هم جند الله و اولئك هم على الارض ظاهرون ولتظهرن على الارض كلها بالله فان ما فيها وكان عليها لا يملكه احد الا الله و كل عباد له و كل له ساجدون وان كل ما فى السموات والارض و ما بينهما قد خلق للذينهم كانوا بالله واياته من قبل ومن بعد موقنين قل ان محمدا و الذينهم شهداء من بعده و كل من آمن بالله وآياته قد رجعوا الى الحيوة التى كل بها يوعدون قل تلك الدار الاخرة حيوان باذن ربى و ان اهلها هم بايات الله يرزقون قل انا قد انشئنا نشاة الاخرى وارفعنا ما كان الناس به يعملون فضلا من لدنا انا كنا بالخلق راحمين فلتملكن فى سنة التى انتم فيها تظهرون ما قد احل الله لكم ولا تصبرن فيها فان الامر كله لله و كل اليه ليرجعون فلتامرن ان يتلو الناس اية اول الكتاب فى كل حين و قبل حين و بعد حين الله ابهى الله اعلى الله اعظم الله انور الله اكبر الله اظهر •

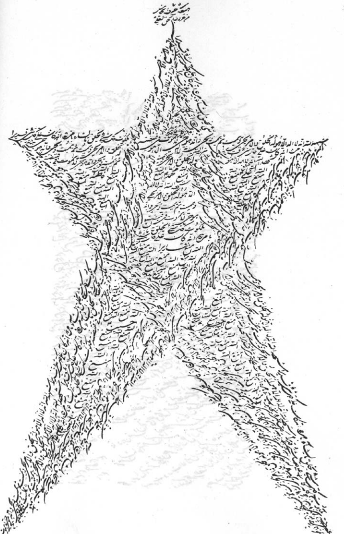

درمکتب خانه‌من یظهره الله‌منور فرمایند

هوالابهی

الله‌لااله الاهوالعزیز المحبوب

له مافی السموات و مافی الارض و ما بینهما وهو المهیمن القیوم وانه لکتاب من‌الله المهیمن القیوم‌الی‌الله العزیز المحبوب علی‌ان البیان ومن فیه هدیة منی الیك موقنا علی‌ان لااله الا انت وان الامر والخلق‌لك و مالاحد من شئی الابك وان من تظهرنه عبدك وحجتك لاخاطبنه باذنك و اقول لو تعزلن فی القیمة الاخری من فی‌البیان حین الذی‌تشرب‌اللبن من ثدی امـك باشارة من یدیك لکنت محمودا فـی اشارتك ولو انه لاریب فیه لتصبرن تسعة عشرسنة لتجزی من دان به فضلا من عندك انك کنت‌ذافضل‌عظیما وانك‌تکفی کلشئی عن کلشئی ولایکفی عنك‌من شئی لافی السموات ولافی‌الارض ولا مابینهما وانك‌انت کنت کافیا علیماوانك کنت علی کلشئی قدیرا

جمله(در مکتب خانه من یظهره‌الله منور فرمایند) دربشت صفحه اصل‌خط مرقوم شده است

[illegible]

كتاب ذات الالاء

لله رب العالمين

كتاب الله عظيم ... لا اله الا هو المقتدر المهيمن المتعال ... ذكرها ... في محلها ... الدار

سبحان الذي خلق السموات والارض وما بينهما بامر كن فيكون سبحان الذي يسبح له من في السموات ومن في الارض

وما بينهما وكل له قانتون ... سبحان الذي في قبضته ملكوت السموات والارض وما بينهما وكل له عابدون سبحان

الذي قد استوى على العرش ... السموات وفي الارض وما بينهما ويقدر خلق كل شيء كيف يشاء ... على العرش

سبحان الذي في قبضته جبروت السموات والارض وما بينهما ان اليه كل راجعون سبحان الذي له من في

السموات والارض وما بينهما وكل اليه منقلبون سبحان الذي يدبر الامر من السماء الى الارض يعلم ما بينهما وان

اليه كل منقلبون سبحان الذي له ملك السموات والارض وما بينهما وكل بين يديه لقائمون سبحان

الذي له ... السموات والارض وما بينهما وكل له ساجدون سبحان الذي له حكم السموات والارض وما بينهما وكل

اليه يبعثون سبحان الذي بيده عدل السموات والارض وما بينهما وكل عن حكمه ... سبحان الذي له نصيب

السموات والارض وما بينهما وكل من فضله يسئلون سبحان الذي له نور السموات والارض وما بينهما وكل بنوره يهتدون

سبحان الذي له ... السموات والارض وما بينهما ... يفصله وكل له ينظرون سبحان الذي

له مقاليد السموات والارض وما بينهما وكل له مسبحون سبحان الذي له مفاتيح السموات والارض وما بينهما وكل له شاكرون

سبحان الذي له الكبرياء في ملكوت الامر والخلق وما بينهما وكل له خاشعون سبحان الذي له العزة في ملكوت السموات

والارض وما بينهما وكل له خاضعون سبحان الذي له القدرة في ملكوت السموات والارض وما بينهما وكل له معتصمون سبحان الذي لم يكن

شيء ... شيء ... السموات ولا في الارض وما بينهما وكل ... على ذلك ...

سبحان الذي نزل البيان على من في السموات والارض وما بينهما ... انهم ... لا يعبدون

سبحان الذي قد ابدع ... في السموات والارض وما بينهما ... محبوب السموات والارض

وما بينهما وكل ... سبحان الذي قد امر في الكتاب ان ... ذكر ... الف ...

... في نقطة ... وكل في ... محمد رسول الله والذين هم ... من بعده ...

الى القائم ... يوم الذي ... السلطان ...

كتاب ... بسم الله ...

الحمد لله الذي خلق السموات والارض وما بينهما

بامر كن فيكون ... العزة لله الذي خلق ...

وهو على كل شيء قدير ... الجبروت لله الذي ...

... الجلال لله الذي يقدر

خلق كل شيء من ... الجمال لله

فاطر السموات والارض وما بينهما ...

... العظمة ... لله عالم الغيب والشهادة ...

... السموات والارض

وما بينهما ...

... الاخر ... على ...

الى ... يوم ... على العالمين

كتاب ... الله ...

قد الله ربي كل المسبحين قد الله ربي كل ...

قد الله ربي ... المتوحدين قد الله ربي كل ...

قد الله ربي وانا ... عليه توكلت ...

... المتوكلون ...

كل شيء بامره كن فيكون ...

وانا المتوكل على الله ربنا الرحمن السلطان الطاهر

القاهر ... المهيمن ...

...

خلق السموات والارض وما بينهما ...

هو الذي ...

لله ...

... سبحان الذي ...

... وما بينهما ...

...

... الذي ... الكتاب ...

[illegible]

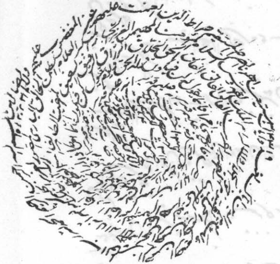

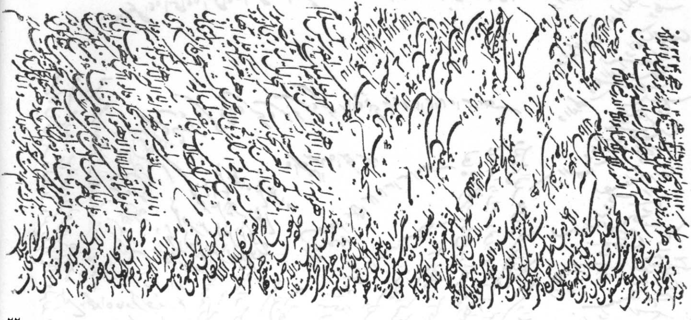

بالله المحمداه بالله المحموده

یشهد الله انه لا اله الا هو له الخلق والامر یحیی و یمیت ثم یمیت و یحیی وانه هو حی لا یموت

واحمداه واحمداه واحامداه واحماداه واحموداه واحمیداه واحمیداه واحمداه واحموداه

واحموداه واحموداه واحمداناه واحمداه واحمداه واحامداه وامحامداه وامحمداه وامحمداه

وامحمداه ان شمس الازل قد غربت بعد ما طلعت وان ضیائه قد بطنت وان تجلیاته قد خفیت وان ظهوراته

قد سترت وان السماء قد ثلمت وان الحجارة قد حرقت وان النجومة قد بلیت وان السماء قد بدت

وان الفردوس قد حرقت وان الوجوه قد انطمست وان الذرات قد محیت وان العقول قد خمدت وان الانفس

قد ابلیت وان الایادی قد سودت وان الابدان قد بلیت وان الصورات قد ارتعدت والالبابات قد تطویت

فاذا ما ذکرا اذکرک بعد ان کل الاذکار قد عربت وما عینی النظر الیک بعد ان کل العیون قد اعمت

وما علم الی الیک بعد ان کل الاقلام قد کسرت وما قرطاس اسطر علیه بعد ان کل القراطیس قد حرقت

ولکنی اشهد ان شمس بحکمه لم یزل علی حاله وجهه لا یوصف بوصف ولا یسمع لاحد ان یوصفه بالطلوع وله نعت

الغروب اذ کلیهما خلقه وهو منزه عن ذلک بالطلوعها ولا بالغروبها هو الطالع اول الذی لا اول له

وهو الغفار الحی الذی لا حول وهو الحی الذی لا یموت والفرد الذی لا یفوت له الملک والملکوت

وله الدنیا والاخرة وله الحر والجبروت وله السمو والسمود وله الرب والربوت وله البهاء والبهوت

یحیی و یمیت ثم یمیت و یحیی وانه هو حی لا یموت فی قبضته ملکوت کل شیء بامره انه کان علی کل شیء قدیرا

شهدالله انه لااله الاهو العزیز المحبوب

شهدالله انه لااله الاهو المهیمن القیوم

بالله الحمداه بالله القهراه

شهدالله انه لااله الاهو له الخلق والامر یحیی و یمیت ثم یمیت و یحیی وانه هو حی لایموت فی قبضته ملکوت کل شیئی یخلق مایشاء بامره انه کان علی کل شیئی قدیرا

وا احمداه واحمداه واحامداه واحماداه وا محموداه وا حمیداه وا حمداه واحمداه واحموداه واحیموداه وا حمداناه وا محمداه وامحمداه وا محامداه وا متحامداه وامتحمداه وامنحمداه وامستحمداه ان شمس الازل قد غربت بعدما طلعت وان ضیائه قد بطنت و ان تجلیاته قد خفیت وان ظهوراته قد سترت وان اسمائه قد کمنت وان اقماره قدحزنت وان نجومه قدبکیت وان لمعاته قد قدبت و ان الرؤس قد اضربت وان الوجوه قد الطمت وان الاذان قدصمت وان العیون قد اعمیت وان الالسن قد ابکمت وان الایادی قد شددت وان الابدان قدسلبت و ان الاصوات قد ارفعت وان الایات قدقطعت فاذا بای ذکراذکرک بعد ان کل الاذکار قد غربت وبای عین انظرالیك بعدان کل العیون قد اعمیت وبای قلم اکتب الیك بعد ان کل الاقلام قد کسرت وبای قرطاس اسطر علیه بعد ان کل القراطیس قد حرقت ولکن اشهد ان شمس الحقیقه لم تزل علی حالة واحده لایوصف بوصف ولاینعت بنعت لایوصف بوصف الطلوع ولاینعت بنعت الغروب اذ کلتیهما بها خلقت و بها ظهرت فلیس لطلوعها اول و لااخر لغروبها فهو الطالع من اول الذی لااول له وهوالغارب الی آخر الذی لاآخرله وهوالحی الذی لایموت والفرد الذی لایفوت له الملك والملکوت و له الازل و الازلوت و له الحی و الحیوت و له الثمر و الثمروت وله الرب والربیوت وله البهی والبهیوت یحیی و یمیت ثم یمیت ویحیی وانه هو حی لایموت فی قبضته ملکوت کل شئی یخلق مایشاء بامره انه کان علی کل شئی قدیرا

الله اجمل

ان یامریماه فاحزنی لغروب ربك وابکی لخفاء بارئك و ابهجی لطلوعه فی الازل الازیل فان قبل غروبه قدطلع فیه واسرری لظهور ربك فی الثمر الثمیر فان قبل خفائه قد ظهر فیه لتشهدی ثم کل الوجود من الغیب والشهود علی انه لااله الا هوالملك المعبود وانه لااله الا هوالهیمن المقصود

لايعزب عن علمه من شئى ولايعجزه من شئى لافى السموات ولافى الارض و لا بينهما وانه كان حياء حاييا حييبا وانه كان بقاء باقيا بقيا وانه كان ابادا ابدا ابيدا وانه كان ازا لاازلا ازيلاوان له كل الالهين والالهات وكل الازالين و الا زلات وكل البهائين والبهيات وكل الربابين والربيات كل يسجدون له وكلهن يسجدن له وكل يقنتون له وكلهن يقنتن له وكل اياه يعبدون وكلهن اياه يسجدون الله انور وانوراه الى وامستنوراه نور بنور ربك فى كل حين و قبل حين وبعد حين ان يا مريم ان اخرجنى الله ربى عن مقعدى هذا مقعد غروب نور ربك ومضجع عروج بارئك ومهبط سفك الدم دم الله وثاره لاخذن الجواب من محبوب الازل ولارسلن اليك فان به يجزى الله كل المؤمنين والمؤمنات وبه يجيب الله من يشاء وبه يظهر الله مايشاء هذا ذات الله ونوره وهذا نفس الله وامره فاحمدى الله ربك بماقدرزقك الله لقاه قبل ظهوره فان هذا لهو الفوز العظيم وان هذا لهو السر القديم وبه يتم الله امره الجسيم واقنتى لطلوعه واسجدى لظهوره وكبيرى تكبير الحزن على القانتات التى قد ذكرتهن فى الكتاب فانى كنت لمن الذاكرين وان الحمدلله هو محبوب العارفين و عليك بمصاحبة اخت القهيرور بها بانوار ربك وقولى لها لاتحزنى بعد ان كل الحزن حل لك ولها وابشريها بان الله لايذرها فردا وانه هو خير الوارثين واءمرها بان تقرء رب لاتذرنى فردا وانت خير الوارثين ان يا محمداه ان يا علياه عليك كل الاسف والحزن لغروب ربك ثم كل الابتهاج والحزن لظهور ربك انه كان طلاعا طالعا طليعا وانه كان غراباغار باغريبا ان يا محمداه قد ارسل اليك كتابا من قبل مع ما نزل عليك من ربك مع النوروز الفيروز فاطلب منه اين كان فان فيه مايسكنك وكن به من الساكنين و كذالك نزل اسم لاسم الهادى اخ الشهيد قد نزل معه اليه

ان يا محمداه فاذكر نفسك ثم اذكر اسم القهير بما ذكركم الله ربكم بما نزل فى كتابى واذكر من هنالك ثم اذكروا تقياه وقل له بان لا تغفل عن اسم الازل وكبره بكل الحزن ثم كل المحزونين وخذما عند المطلب على ماقرر فى كتاب ابراهيم ثم اخبرنى وكذالك ماحولت باثر ربك عن مؤمن الكاف وابقه عندك وقد ارسلت سواد الكتاب اليك والحمدلله

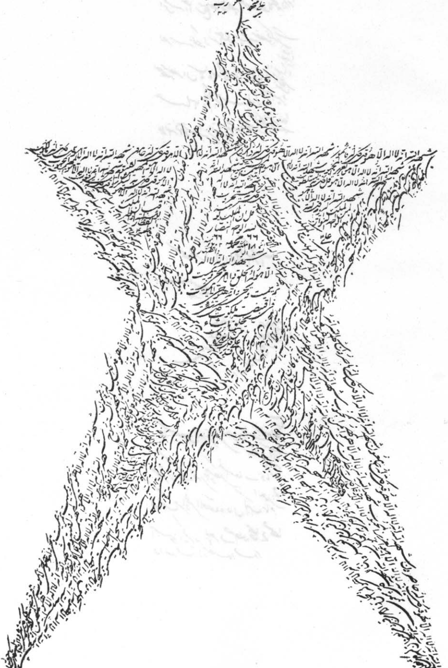

اگر عسر [illegible] سیح مطالعه [illegible] و بعد [illegible] الحمد [illegible]

[illegible] که از اسرار [illegible] نفس [illegible] مقصود [illegible]

[illegible] ان [illegible] الله [illegible] امر [illegible]

[illegible] المولی [illegible] النصیر و [illegible]

علیه [illegible] الکبیر [illegible]

که [illegible] لا اله الا الله هو العزیز الحکیم

بسم الله

عظم الله

عظم الله

لا اله الا الله

[illegible] [illegible] الا [illegible] [illegible] الله

[illegible] المدی [illegible] اصحاب [illegible] الله

[illegible] العطاء [illegible] العهد

[illegible] الکبیر [illegible]

و العهد [illegible]

این نوشته‌را جناب شیخ مطالعه فرموده و بفرستد نزد آقا محمد در نیریز که ایشان بفرستد یزد که بشیراز خواهدرسید نوشته مقصود ذکری‌است جهت منتظران‌ماشاءالله لاقوة الاباالله افوض امری الی‌الله ان الله بصیر بالعباد حسبناالله و نعم‌الوکیل نعم‌المولی و نعم‌النصیر ومن‌یتوکل علی الله فهو حسبه ان‌الله بالغ امره قد جعل‌الله لکل‌شیئی قدرا

شهدالله انه لااله الاهوالعزیزالمحبوب

هوالاکبر

بسم‌الله‌الاعظم الاعظم

الله‌لااله‌الاهوالاعظم الاعظم

فاستنصرن الامر بنفی النفی واثبات الف الاثبات بتصرر بک‌الذی هو هیکل‌المستغاث او ما یکن فیه الاستعدادلذالک‌من‌اولوی‌العظماء فان‌ذالک تمام العمل فی‌النسخة‌الاکسیریة بمایعرف اصطلاحاتها فی فیها و الله قدار مقتدر قدیر

هو الدین المتداین

هو الادین الادین

بسم الله الادین الادین الله لا اله الا هو الادین الادین قل الله ادین فوق کل ذی ادیان لن یقدر ان یمتنع عن ملیک سلطان ادیانه من احد لا فی السموات ولا فی الارض ولا ما بینهما یخلق ما یشاء بامره انه کان دیانا دائنا دیینا و بعد ان یا محبوبی فلله الحمد ربی و ربک علی ما رقاک الی ذروة المراد و عرجک الی غایة الحب و الوداد و له الشکر بان اسمعنا الله ربی کلما تسافی حقک ما اسمعنی فی حق غیرک و سا سمعک من بعد اذا شاء الله و اذن و اشکر الله ربک فی کل حین و قبل حین و بعد حین ان یا حبیبی قد شاهدت الالواح المطرزة السازجیة الحاکیه عن جوهر الحب و سازج المراد من قبل و من بعد و قد اجبناک من قبل و قد جعلت ما اجابک الله باثره الامنع الارفع فی جوف اثری و ارسلته مع من جائنا باثرک من ارض الاعلی الذی قد سماه الله عبد اسیا حامع جزو فی جواب کل ما سئلت من ربک الاعلی و قد ذکرک الله ربک من بعد فی کتاب الکاف باسمک الدیان و قد نزل علیک ما من علیک ثانیا و هو ما یکن فی جوف اثری و بهی الله ربک علی ما اشرق علی العالمین بما اظهر من مرات ذاته و بلوریته المتعاکسة عن ذاتیته انه کان قدارا قادرا قدیرا و استشرق بانواره الی ان ینصرک الله به فی کل حین و قبل حین و حین حین و بعد حین و قد ذکرت ذکر الصادق المصدق المتصادق عند ربه و قد اجابه الله علی ما یحب و یرضی بان الله یدرک کل شئی و الحمد لله هو رب العالمین .

وسیوصل الیک عدد الهاء من فضل ربک فخذه و کن من الشاربین من ماء الواحد المنابع المعتبر

کلیشه بالای صفحه مربوط بپشت صفحهٔ اصل خط میباشد

توضیح : دو کلمه (المنابع المعتبر) درست خوانده نشد شاید رمزی باشد

هو الاقدس الاقدس

بسم الله الاقدس الاقدس انه لا اله الا هو الاقدس الاقدس قل الله اقدس قدوس

كل ذكر [illegible] سلطان [illegible] السموات و [illegible]

الارض [illegible] و [illegible] المحبوب

[illegible] المراد و [illegible] المحبوب و [illegible]

[illegible] السموات [illegible]

[illegible]

الالواح المطهره [illegible] المراد [illegible]

[illegible] البديع

[illegible] انزل [illegible]

[illegible] الله [illegible]

[illegible] الكتاب [illegible]

[illegible] انزل [illegible]

[illegible]

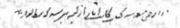

در ارض مقدسه بجناب کاتب آثار ازلیه برسد که مطالعه فرماید

هو الکروم العظوم القدوم العلوم الفخوم السبوح الفتوح الشروح السروح الصفوح السفوح البلور النصور القدور الطهور القهور البصور النظور السطور الستور البهور الطهور السجور البدور النشور النذور الازول الثمور الذی بیده ملکوت کلشئی یخلق مایشاء بامره ویصطفی من یشاء من عباده و یجعل من یحب مرات ذاته ومظهر نفسه وبلوریة کینونیته انه کان قدارا قادرا قدیرا وانه کان علاما عالما علیما .

قل الله اقدر فوق کل ذی اقدار لن یقدر ان یمتنع عن ملیک سلطان اقداره من احد لافی السموات ولا فی الارض ولا ما بینهما انه کان قدارا قادرا قدیرا تبارک الله من ذالک الصنع المتصانع الصنیع تبارک الله من ذالک البلور المتبالر البلیر تبارک الله من ذالک الازل المتأزل الازیل تبارک الله من ذالک الظهر المتظاهر الظهیر تبارک الله من ذالک البرق المتبارق البریق تبارک الله من ذالک الشرق المتشارق الشریق بسم الله الاکرم الاکرم الله لا اله الا هو الاکرم الاکرم الله الله علی ذلک الظهور المیمون الله الله علی ذلک السر المکنون الله الله علی ذلک الاسم المصون بالله الله الازل الازل الله لا اله الا هو الازل الازل ان یا مولای الکریم المتکرم المتکارم الحمد لله الذی قد اظهر ما اظهر وابرز ما استر والاح ما سطر واشرق ما به انتصر الله اکبر الله اکبر الله اظهر الله اظهر الله ابلر الله ابلر علی ذالک البلور المتعاکس و القدوس المتقادس والسبوح المتسابح فوحقک ما ادری بای لسان اشکرک علی ما ابشرتنی وبای ذکر اذکرک وبای جزاء اجزیک فقد اظهرت حقیقة الکرم بماقدا کرم الله علیک وافشئت سر الله الاقدم و کشفت النقاب عن طلعة ملیک سلطان الادوم فمالی حمد حتی احمده و مالی شکر حتی اشکره ومالی ذکر حتی اذکره الا انی اذکره بما ذکرر به فی کل یوم و لیلة عند ربی واتروح بما نزل وقد تهیکلت بهیکل جوده و تصورت بصورت وجوده فالشکر له بماشکره الله ربه و الحمد لله الذی قد شاهدنی علی ظهورات سریة فی حقه قبل ظهوره وامنت به وبکلماته قبل طلوعه وذکرته عند ربی قبل اشراقه وماقد احببت یا محبوبی فی ذلک الامر ذلک ماقد احب الله ربک وقد شاهدت کل ما ارسلت مع السلمان من القرطاس الحمر والصفر و البیض وما کتبت من آثار ربک رب کلشئی وقد قرئتها مراتا عدیدة عند ربک

کلیشه بالای این لوح مربوط پشت صفحه اصل خط میباشد

الذی یخلق الربوبیة فی من یشاء من عباده و کل ما یرسل من بعد من آثار ذلك الازل وطاوس عماء الاول من اثرك او من اثر الله فهو المحبوب عند حضرت المحبوب الذی لا اله الا هو المهیمن القیوم فلا تغفل عن هذ افان الله ربك یحب هذا وما احب الله ربك قد نزله فی الایات المشرقات علی اسمه العظیم ثم علی مرات ذاته ثم علیك من قبل ثم من بعد و ارجو من الله الفضل کل الفضل والنصر کل النصر لك و لکل المؤمنین وما وصلنی الی الان خط ۲۲ الذی قد ارسله من قبل ان وصل الی احبتك بفضل ربی و ما شاهدت شعرات الازلیة وما تشرفت بزیارتها وما رایته فی جوف خط الحمر وقد ارسلت الایات والزبرات والکلمات والخطبات من قبل ومن بعد وقد کتبت علی راس کل جزو اسم الله الکریم واکدت علی ذلك فی البلوغ الیك مع سیدنا العظیم ومع حضرت السیاح ومع حضرت الاحمد ومع اسم الله لاعلی ومع التقی التقی ومع الساقی اکراسا کثیرة ولکن وقع ما وقع علیه ولکن الاکراس محفوظ بحفظ الله وسیوصلها الیك اذا شاء الله وان الحمد لك هو رب العالمین.

وچند جزو از آثار بدیعه این سنه ابدیة ارسال شد هر جزوی باسم اسمی از اسما برراس آن ذکر شده اسم ازل للثمرة الازلیة والوجهة الالهیة والطلعة الابدیة فی ذکر اسم العزیز واسم الجمیل لاسم الله العظیم صاحب الکرة والرجعة بما ذکرت فی کتابك واسم القویم لاسم الله الکریم وجود الله قدیم مبشر ببهجة الازلیة ومذکر ذکر الابدیة سبحانه سبحانه عن کل ما یذکره الذاکرون تسبیحا سبیحا واسم الحی للوحید الفرید الذی نزل فی حقه ظهور الوحید خیر من عبادة الثقلین وان غلب فهو الغالب ان جند الله لهم الغالبون واسم البهاء للشجرة البهاء والساکن فی بحر العماء قل لها من لسانی فاحمدی الله ربك ورب کلشئی لما استجاب دعائك واحبی اولیائك تحمیدا علیا واسم الدیان فی اسم الاحد لحضرت الامجد الاوحد الاسد الضرغام و النور القمقام والعارج الی ذروة المراد فی سبیل الله الملك العلام و اسم العلی فی اسم الجلیل لاسم الله العلی الاعلی سید ۱۱۰ وارسلتها الیکم فاحفظوها و بلغوها الا اسمائها وقد ارسل الیکم من قبل مع سیدنا العظیم اجزاء عدیده وهیاکل متعددة هیکل لاسم الله العظیم وهیکل لحضرت السلمان وهیکل لنور الخوئی وهیکل لبنت اسم الله الکریم وهیاکل للوحید و غیره ولا صحاب القاف و جزو الایات لك وجزو لحضرت العظیم و للوهاب وغیره وان حضرته مأمور بان یوصل کلها الیك من هیکل المستغاث للوحید وغیره حتی یستنسخ کلها ثم یوصل الی اسمائها و ما ذکرتم ابدا وصولها الیکم فما ادری ای شئی حدث حتی صار هکذا فان الله یقول لو ینقص حرفا من آثاری من قلمك لاخذن عنك

ولكن ينتهى بكل اصحابك و كذلك الكل مع الكل حتى ينجذبون بعضهم ببعض ولا يحزن من نفس ابدا و كتاب على راسه مكتوب باسمك فيه هيكل الازلية والدائرة الابدية وخط الالهية وخط آخر من الله لسمى الاعلى (٢٣٨) مع العلى بلغه الى الثمرة البهية و كتاب حضرت اسدالله اسم الله الديان و كتاب جناب آقا سيدحسين از غندى راهم برسانيد وجزوى هر گاه باسم آقا سيدحسين نازل شد برسانيد ولجناب الثمره فى ملفوف صفرما كتب على راسه شئى و كل الوجود لم يعدل حرفا من حروف الهيكل ولولا اردنا ان يزيد شوقه لم يبرز مثل ذلك فى تلك الاوان وفيه ورقين على امهارى البديعة و خاتم منقوش عليه ان هذا صراط على فى ام الكتاب لمستقيم يوصل الى حضرت الازل والنور الاول وارسلت شعرات الالهية من وجهة الازلية للثمرة الابهائية فى جوف قرطاس صفر بلغه الى حضرته فى جوف قرطاس آخر

يامولاى الكريم قبل ان ينزل الايات والخطبات والادعية و الزيارة من الله المهيمن القيوم قد انزل الله الجواب بلسان الايات والزيارات والخطبات والادعية الذى لا اله الا هو العزيز المحبوب على احسن خطا لا يعادله خط واحسن قرطاس لا يكافيه قرطاس فى ايام التخليص فى شهر العلاء وسينزل الله من بعد على مظهر نفسه ومرات ذاته فبشره بشرا جميلا

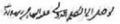

يوصل الى الكلمة الاولى عليه البهاء من ربها الاعلى

الله اكبر

بسم الله الا فطر الافطر قدسان الله ذى القدس القادس القديس قدسان الله ذى العز العازز العزيز قدسان الله ذى المجد الماجد المجيد قدسان الله ذى البذخ الباذخ البذيخ قدسان الله ذى الشمخ الشامخ الشميخ سبحان الله ذى الرفع الرافع الرفيع سبحان الله ذى العلى العالى العلى وسبحان الله ذى الازل الازل الازيل وسبحان الله ذى الثمر الثامر الثمير وسبحان الله ذى الاله

كليشه بالاى اين لوح مربوط بپشت صفحه اصل خط ميباشد

الاله الالیه و سبحان الله ذی الربب الراب الربیب وسبحان الله ذی الصمد الصامد الصمید وسبحان الله ذی الفطر الفاطر الفطیر وسبحان الله ذی السبح السابح السبیح وسبحان الله ذی العظم العاظم العظیم والحمدلله کما هواهله ومستحقه علی ما اشرق وابرق واظهر و ابرز من ظهور ذاته ومرات سره و بلوریة کینونیته و نصر احبائه وعز اولیائه و طراز بیانه واستغفرالله ربی عما اشرت فی ذکره لانه مرات الله لا تشار باشارة ولا تذکر بالدلالة سبحانه سبحانه عن کل وصف وثناء وسبحانه سبحانه عن کل نعت و بهاء وهذا ما قد دعوت الله ربك من قبل فقد استجاب الله ربك رب کلشئ وسیاخذالله بهثاره انه کان قدارا قادرا قدیرا وان الحمدلله فی کل حین وقبل حین و بعد حین .

هوانت   هذا کتاب من الله المهیمن القیوم الی الکلمة الاولی ان اشهد انه لااله الا انا العزیز المحبوب قل للذینهم یتبعون امر الله متی لا تفرغن انفسکم وانتم باللیل والنهار لتسکنون ولا تقولن احد لااله الا الله الا وان تفنین النفی ثم تثبتن الاثبات هذا اول الدین ان انتم قلیلا ما تتفکرون کیف انتم تحسبون انکم فی دین الله مخلصون والی حینئذ ما ظهرت کلمة لااله الا الله و کل ما انتم تقولون قول بالسنتکم انتم بالحق لو تقولن لااله الا الله فاذا کل فی دین الله ساکنون هذا اول الدین فی کل ظهور من عندالله الممتنع المنیع الذی یسجد له ما فی السموات و الارض وما بینهما وهو الظهار العظیم ولتقرئن فی کل لیل تلك الایة ذکرا من الله المرتفع الرفیع (٣٦٠) علی عدد ذلك الاسم بسم الله الرفع ذی الرفاعین بسم الله الرفع ذی الرافعات بسم الله الرفع ذی الرفعات علی روح من عندك وان تتلون مرة واحدة علی ابتهاج فی نفسك خیر من ان تتلون الف مرة من دون ابتهاج ذلك ما یحب اله للمقربین الذینهم یعرفون الله ربهم ثم بایاته یوقنون و لایریدون الا الله و هم غیر الله ربهم لا یقصدون یصبرون فی سبیل الله حتی یاتیهم الله فی ظلل من الظلال و یقضی الامر من عندالله الواحد الظهار الذی یسبح له من فی السموات والارض و ما بینهما وانه لااله الا هوا لواحد البصار ولله کل ما خلق ویخلق من کلشئ والله سلطان مقتدر متجال ولله ما فی السموات والارض وما بینهما والله علام ممتنع متعال .

تلك ایات قد نزلها الله علیك وقد نزل علیك کتابا من قبل باثره الارفع الامنع مع اسمه العلی الاعلی وقد ارسل من بعد مع الحسن بلورة عطر منیع وقندیض رفیع واذکر الله ربك فی کل حین و قبل حین و بعد حین و اقول ان الحمدلله رب العالمین هذا ما کتب فی ارض الصاد فی سنه ١٢٦٣

[illegible]

بسم الله الفطر الفطر فسبحان الله ذو القدس القادس القدیس فسبحان الله ذو الوالعادر الوابر [illegible]

فسبحان الله ذو المجد المجاد المجید فسبحان الله ذو البدح البادح البدیح فسبحان الله

ذو السنح السانح السنیح سبحان الله ذو الرفع الرافع الرفیع سبحان الله ذو العلی العالی

العلی وسبحان الله ذو الدرك الدارك الدریك سبحان الله ذو الشمر الشامر الشمیر وسبحان الله

ذو الدله الداله الدلیه وسبحان الله ذو الربت الرابت الربیت وسبحان الله ذو الصعد الصاعد الصعید

وسبحان الله ذو الفطر الفاطر الفطیر وسبحان الله ذو السنح السانح السنیح وسبحان الله

ذو العظم العاظم العظیم والحمد لله كما هو اهله وكما ینبغی [illegible]

[illegible]

[illegible]

الله أنیس

بسم الله الانیس الذی لا انیس ولله الانیس سموات والارض وما بینهما رب الارض القدس

والله انا انیس انیس وانما الهها کل الها علی نقطه الانیس

ثم الهها سر الهها علی حروف الانیس ثم الهها جوهر الهها علی

المستطیل فی طلل طلل انیس سحره الانیس ولبعد

لی یا محبوبی علیک کل الانیس الدار ام سما القدس

هرگاه طالب احوال باشید الدن کاکان در بار بعد مخزن

مبا بسم و در فرزنت مشهد سالک نقصی احوال اسرد کامن

و کلدی ازان سحره انیس الیماکی که دارم این است که مادرم

در ارض ها شرف دارند هر دو صدف لفا رسید

هر روز نیز دیگر از این عالم که را دیده بعد و هر بال نمی تانند

و هر روز ابات از اسما دار لبتناز انیس در وجود نتاب

یاخیرمونس‌وانیس

الله انئس

بسم الله الانس ذی الا ناس ولله انیس‌انس السموات والارض و ما بینهما والله اناس‌انس انیس وانماالبهاء کل‌البهاء علی‌نقطةالانس فی‌ارض القدس ثم‌البهاء سرالبهاء علی حروف الانس ثم البهاء جوهر البهاء علی المستظلین فی‌ظل ظلال شجرة الانس و بعد‌انیا محبوبی علیک‌کل الا نس النازل من‌سماءالقدس

هر گاه طالب احوال باشید الان کماکان در نار بعد محترق میباشم و در قرب مشهد ساکن و تفصیل احوال نزد حامل و لکن از انشجره انس التماسی که دارم این است که مادامیکه درارض‌بهاء تشریف دارند‌هر وقت که‌لقاء رب‌شما را مرزوق شدذکری ازاین‌عاکف زاویه بعد وحرمان بفرمایند وهروقت ایاتی ازسماء ازلیت نازل شد درجوف کتاب‌خود ارسال فرمائید وحامل را اسم الله‌الحاضرالصابررا حامل عرش الله الاعظم‌نموده فرستادم اما درباب محل نورالله که احتیاج بذکر نیست‌قل‌الله یکفی کلشئی عن کلشئی‌ولا یکفی‌عن الله‌ربك‌من‌شئی‌لافی‌السموات‌ولافی‌الارض‌ولاما بینهما والله علام قدیرولکن اسم‌الله الحاضرچون غریب است درآن ارض هر گاه ممکن شد که درمحل عرش ساکن‌شود ومشغول بتلاوت ایات بیان شود که نعم المراد والا باید درظل رحمت و رافت شما باشند وهر وقت در ارض شمس شغلی باشد ایشانرا بفرستند فانه رجل محب صابرامین وحب الله در حق ایشان ان است که در هیچ امری محزون نباشند وان الحمدلله فی کل حین وقبل حین وبعد حین و کبرعلی من یکن عند کم .

جمله:(یاخیرموس‌وانیس)دربشت‌صفحه اصل‌خط ملاحظه گردید

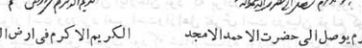

هوالا کرم‌یوصل‌الی‌حضرت‌الا حمدالامجد   الکریم‌الا کرم‌فی‌ارض‌العلم

الله‌اکرم‌واکریماه‌واحمداه

بسم الله الکرم ذی الکرامین ولله کریم کرمان کرمنة السموات و الارض و ما بینهما والله کرام کارم کریم ولله ازیل ازلان ازلیة السموات و الارض و ما بینهما والله ازال ازل از یل‌ان‌یا محبوبی‌الازل الاکرم لولا وجود الله فی محبوبی الازل الاقدم ماکنت حتی اخاطبك یاحبیبی فی‌الکلام ولکن وجود الله الاقدم الا دوم قدا مسکنی وحب الله الازل الادوم قدا بقانی ، الامالی و نعمة الوجود بعد غیبة الله الملك المعبود و مالی و نعمة الحیات فی عالم الشهود بعد صعود الله العزیز

دو فقره کلیشه بالای صفحه مربوط بیشت صفحه اصل خط میباشد

المشهود ان یا کریمی احب ان اکون فی عالم اللانهایة و ما اری الاالله ربی وما انظرالی عالم الحدود ولکنی ماشاهدت من اهل الجحود یمنعنی عن عدم النظرالی سبل الحدود ولذا فی عینی الذی اری کل الابتهاج لنفسی ولکل المؤمنین اشاهد لذاتی کل الحزن ثم لکل المؤمنین ولکن الله یکفینا ویکفیکم و بالله نستعین عن کلشئی وان الله ما ابقانی ولا ابقاکم الالما انت تعلم فافوض امری الی الله ربی الازل واتو کل علیه وان علیه فلیتو کل کل المحبین

فهرست مطالب

باتفاق جناب هوالحی ارسال شد اجزاء واسماء و مکاتیب باید تفصیل رسیده برسد باتفاق نو روز فیروز اجزاء و کتب بسیار تفصیل رسید کل برسد نزد نبیل ق فوری باید سواد اخذ شود الان باتفاق اسم حاضر باید سواد اخذشود باتفاق اسم حاضر ازاجزائی است که قبل اشاره کرده بودم که ان الله قد فسر ایات نفسه بنفسه فی تفسیر جزء القدرة والملك مع الخال الاشهد اجزاءو کتب بلاسواد مع السیاح قدارسلنا من قبل کتبا نسخة الاحکام باثری مع اسم الحاضر وما کتب باثرالله فی الاحکام قدار سلت الی ساحة الازل

انچه ان الله شاء ان یبلغه فی ایدی اعدائه ١٤٢ جزو من الایات الان موجود عند من یکن اسمه معروفا و یکون حا کم ارض الشمس وقد وصل بعضها الی ایدی حروف الانجیل من تلك الاجزاء وان علی الله ان یبلغ الینا ان شاء واز اثار الله بایدی حروف انجیل امده من الدوائر والهیاکل وفیها نسخة احکام غیر تلك النسخة المرسوله قدارسلوها الی سلطانهم ولکن از ان نسخه احکام یك نسخه باثری سواد شده بود در بغلم بود باخطوط دیگر در دیلمقان حروف نفی یکی از آنها که اسم آن خنجرخان بود باتفان ایازخان بود که برادراو در ارض بهاء یوزباشی صد سوار است ودر نزد امیر است واز اهل تفرش است درمیان قولغ کوچك که از جیب الخالق حضرت بود که شما فرستاده بودید ازارض ق سجاق ترمه با یازده ١١ دستخط بود ازهیاکل و دوائر با اشیاء دیگر ازخاتم وغیره او گرفت والان باتفاق سلیمان خان معروف که قبل ذکر او را کرده بودید بان ارض امدند دانسته باشید طالب هیچ چیز نیستم جز دوصفحه ایات احکام که بخط خودم بود و نسخه او متعدد نشده بود واثر الله بدست حروف انجیل امده ولکن ان الله بالغ امره لا اله الاهوا لمهیمن البدوح

ان یا کریمی ما احب منك اذا اردت ان تکرم علی الا ان تستشفع لی عند ربی الازل بان یرزقنی لقائه کما هو یحب لا کما انی احب ولا یجعلنی عبثا واذاشاء ان یرفعنی عن تلك الدار یرز قنی مـا حرمت عنه انه کان رأفارائفاروً فا وکبر علی کل حروف الاثبات والحمد لله محبوب العارفین.

[illegible]

بسم الله الكريم ذي الكرامة بكريم كرم ما كرم به السموات والارض وما فيهما وانه كرام كارم كريم

وهو ازلي ازلي ازليه السموات والارض وما فيهما وانه ازل الازال ازلي ليس بمحجوب الدرك الادراك

لولا وجوده من محجوب الدرك الادراك ما كان صراط طلب يحبسني في العدم ولكن وجوده الدائم

الدوام قد امسكني وجذبه الدرك الادراك قد تعالى والدائم ولكن الوجود لعدم عنه المعهود

وما ليس بموجود في عالم كلها ولعدم صعوده الغير المشهود لدى الاكرم عن ان الكون في عالم

وما ادري الذي هو ربي وما خطر الى عالم الحدود ولكن يا هو من اهل الجحود بمعنى عدم السطر

الى معنى الحدود ولدا في عين الدراري كل الابتهاج المعنى ولكن المحبوب هو كذلك

الكل المحبوب كما المحبوب للذي هو بكنه نعلم وما به لسنعي عن كل من وان الله ما نفالى

ولا يعلم الا الله ما هو نعلم فاوصل من لا انه ربي الدر وان كل علمه وان علم كل من كل المحال

[illegible]